

گربینوج

هدیه تولد استثنایی



خیلی‌ها معتقدند روز تولدشان، روز خاصی است و ممکن است اتفاق‌های عجیب و شیرینی برایشان بیفتد. بعضی‌ها هم البته اینطور فکر نمی‌کنند. یک مرد اهل میسوری در آمریکا اما قطعا می‌تواند مدعی باشد واقعا! اینطور است چون با خوش‌شانسی تمام، در روز تولدش، بلیتش برده و ۱۰۰ هزار دلار برنده شده است. او گفته که در روز تولدش به این فکر افتاده که شاید بخت یارش باشد و ۲ بلیت یخت آزمایی خریده، و از شانس خویش، همین ۲ بلیت برنده شدند و این مرد در نهایت، ۱۰۰ هزار دلار برنده شد. او گفته است که به محض اینکه برنده شده به همسرش زنگ زده و همسرش را در جریان گذاشته است. این مرد گفته حالا که چنین هدیه تولد درخشانی در روز تولدش گرفته، می‌خواهد با آن خانواده‌اش را به یک سفر رویایی ببرد.

چاق ترین خرس آمریکا!



خرس‌ها قبل از رفتن به خواب زمستانی، تا جایی که می‌توانند می‌خورند و طبیعی است که حسابی چاق می‌شوند. با وجود این، یک خرس در آلاسکا، چنان چاق شده که حسابی به شهرت رسیده است. عکس این حیوان که انگار از شدت چاقی در حال ترکیدن است، حسابی مشهور شده و جایزه چاق‌ترین خرس فستیوال خرس‌های چاق را هم دریافت کرده است. این جشنواره، درست در آستانه شروع خواب زمستانی خرس‌ها شروع می‌شود و خرس‌ها و در واقع عکس آنها، به داوری گذاشته می‌شود تا مردم چاق‌ترین خرس را انتخاب کنند. ۱،۳ میلیون نفر به این خرس رأی داده‌اند و انتخابش کرده‌اند. این خرس ماده، به‌گفته کارشناسان محیط‌زیست، تا جایی که می‌توانسته‌است آزاد خورده و کاملاً برای خواب زمستانی آماده است.

قاتل نامرئی پرندگان



یک ساختمان مشهور در شیکاگو، اخیراً از سوی حامیان محیط‌زیست متهم شده است که قاتل شماره یک پرندگان مهاجر به این شهر است. این ساختمان که در واقع یک بنای یادبود است، دیوارهایی شیشه‌ای دارد و دقیقاً مشکل همینجاست. پرنده‌های مهاجر، این شیشه‌ها را نمی‌بینند و با سرعت به آن برخورد می‌کنند. یک گروه از داوطلبان که مرگ پرنده‌ها را ثبت می‌کند گفته که فقط در یک روز، هزار پرنده، به‌خاطر برخورد با این دیوار شیشه‌ای تلف شده‌اند. این گروه گفته که تعداد تلفات قطعا به‌مراتب بیشتر است چون پرندگان زیادی بعد از برخورد به پرواز ادامه می‌دهند و ساعت‌ها بعد به‌خاطر خونریزی و جراحت به زمین می‌افتند. آمار بالای تلفات در این هفته، به این خاطر است که پرندگان در این فصل، از کانادا به سمت جنوب و آمریکای مرکزی مهاجرت می‌کنند.

خواجو؛ در میان پل‌های شگفت‌انگیز



خواجو باید در صدر تمامی فهرست‌هایی باشد که پل‌های شگفت‌انگیز دنیا را معرفی می‌کنند. «گاردین» هم در فهرست ۱۰ پل زیبا دنیا، این پل را گنجانده و درباره آن نوشته است: «یکی از اهداف پل خواجو، دور هم جمع شدن، لذت بردن در جایخانه و دیدن منظره زیبای رودخانه بوده است. درست مثل پل قدیمی لندن، با معماری زیبا و شیک و نه چندان شلوغ و در هم، شهر را از روی آب عبور می‌دهد.»

سایت معماری «آرکیتکچوال ایجست» هم پل خواجو را در فهرست «زیباترین پل‌های جهان» گذاشته و علاوه بر پرداختن به ویژگی‌های فنی آن، درباره این پل نوشته است: «این پل در نور روز و همینطور شب با بسیار زیبایست و مکان محبوبی برای مردم است تا دور هم جمع شوند و خوش باشند.»

این پل، در دنیای گردشگری هم بسیار سرشناس است و طبیعی است که سایت‌های تخصصی گردشگری دنیا هم، آن را در کنار بهترین‌ها و زیباترین‌های دنیا بگذارند. اگر بخت یار تان است و در اصفهان هستید، همین امروز به پل خواجو سری بزنید و نه فقط از زیبایی و عظمت آن لذت ببرید بلکه به این فکر کنید که اگر پل‌ها نبودند زندگی ما چه کابوسی می‌شد.



اول آخر

دور دوم مسابقات «موتور کراس» قهرمانی کشور به میزبانی بندر ترکمن در استان گلستان برگزار شد. ■ عکس: محمد نسائی



زندگی پدیا

با عصای سپید...

جیمز بیگزیک، عکاس از اهالی شهر بریستول انگلیس در ۱۹۲۱ میلادی وقتی در یک سانحه، پینایی خود را از دست داد، برای در امان ماندن از خطر برخورد با وسایل نقلیه که در خیابان‌های اطراف محل زندگی او در حال تردد بودند، ابتکار استفاده از عصا به رنگ سفید را که به راحتی قابل دید باشد، به کار برد. پس از آن ۲ نفر از برجسته‌ترین محققان آمریکایی به نام‌های ناول پری (ریاضیدان) و جاکوپس تن بروک (حقوقدان)، توانستند قانونی در پانزدهمین روز از ماه اکتبر به عنوان قانون عصای سفید به تصویب برسانند و این روز را به‌عنوان روز جهانی نابینایان نامگذاری کنند. در این قانون، همه حقوق اجتماعی فرد نابینا به عنوان عضوی از جامعه متمندن، انعکاس یافته است.

طبق آخرین آمار سازمان بهداشت جهانی، حدود ۴۵ میلیون نفر نابینا در دنیا زندگی می‌کنند و هر ساله یک تا ۲ میلیون نفر به این آمار افزوده می‌شود. در ایران و براساس گزارش اداره سلامت چشم و پیشگیری از نابینایی وزارت بهداشت، حدود ۳ هزار کودک کم‌بینا و ۷۵۰۰ کودک نابینا در کشور وجود دارد.

■ ■ ■

آمارهای می‌گوید که ۷ هزار ۸۹۹ دانش‌آموز در کشور با آسیب بینایی در مدارس خاص استثنایی و مدارس عادی

کارهای فرهنگی خوبی که گروه‌های خیریه و ان‌جی‌او‌ها برای استفاده نابینایان از کتاب‌های جدید انجام می‌دهند، خوانش این کتاب‌ها و تهیه نسخه الکترونیکی کتاب‌هایی است که روانه بازار می‌شوند. علاوه بر آن برخی از این کتاب‌ها هم با خط بریل برای نابینایان تهیه می‌شود.

■ ■ ■

مناسب‌سازی معابر و ساختمان‌های عمومی همواره یکی از مطالبات افراد نابینا و کم‌بینا بوده و در بسیاری از شهرها هم شهرداری این مناسب‌سازی‌ها را انجام داده است. با این حال هنوز هم هستند ساختمان‌ها و خیابان‌هایی که برای استفاده نابینایان مناسب نیستند و معایری که با سد معبر عدای از افراد، بسته شده و راهی برای عبور نابینایان باقی نمانده است. با اینکه شهرداری در این زمینه متولی است، اما در سوی دیگر، این خود ما مردم هستیم که باید قانون را رعایت کنیم و با ایجاد سد معبر و پارک خودرو روی خط ویژه نابینایان، راهشان را سد نکنیم.



خیریه عصای سفید، انجمن نابینایان و ... سمن‌ها و خیریه‌های مختلفی هستند که برای نابینایان و برای پیگیری حقوق این افراد راهاندازی شده و مشغول فعالیتند. این خیریه‌ها برای تحصیل، اشتغال و بهره‌مندی این قشر از امکانات رفاهی تلاش می‌کنند و از آن‌ه خدمات آموزشی و توانبخشی نیز بخشی از کار آنهاست. یکی از

ایده خوب

با مبل خودتان سفر کنید



میتاب خسرواھی

تصور بعضی اتفاقات، هم خوشایند است، هم عجیب، شبیه

داستان‌های ژول ورن! همان داستان‌هایی که یکی پس از دیگری به واقعیت پیوست و انسان هم با بان رفت‌وآز آسمان پرواز و هم تا عمق اقیانوس‌ها و دریاها سفر کرد. حالا هم یک شرکت استارت‌آپی سوئدی، قصد دارد میلمان منزل را به‌خودر تبدیل کند! عجیب نیست! ژول ورنی نیست! اما واقعیت دارد. استارت‌آپ سوئدی LUVI، در حال تکمیل مدل طراحی‌شده خودروی خود به نام «O» است. این خودرو چنان ویژه طراحی‌شده که می‌تواند علاوه بر زیبایی، تولید هزاران تن آل‌اینده ناشی از سوخت خودروها را کنترل کند. خودروی «O» قرار است از میلمان‌های تخت ساخته شده توسط شرکت IKEA (شرکت سازنده وسایل خانگی سوئدی) ساخته شود. خودروی این استارت‌آپ که «LUVI O» نام دارد، دارای ۲۵ بسته باتری به وزن ۲۵ پوند (۲۹،۴۸ کیلوگرم) است. می‌توان این باتری‌ها را پس از شارژ از مدار خارج و با اندوخته آن، مسافت ۶۲ مایل (۹۹،۷۷ کیلومتر) را طی کرد. سرعت متوسط این خودرو ۵۵ مایل در ساعت (۸۸،۵۱ کیلومتر در ساعت) است. اندازه این خودرو ۳۷ اینچ (۹۳،۹۸ سانتی‌متر) کوچک‌تر از فیات ۵۰۰ است. علاوه بر همه این ویژگی‌ها، خودروی موردنظر، در مقابل تصادف مقاوم است. این خودرو ۱۰ هزار پیرو (۱۰۵۰۰ دلار) قیمت‌گذاری شده است. خودروی «O» برای استفاده در فضای شهری طراحی شده است. شرکت سازنده این خودرو با الهام از شاسی‌های آلومینیومی سبک و در عین حال مقاوم و سخت خودروهای فرمول یک، یک لایه فوم دوگانه در خارج و داخل بدنه خودرو طراحی کرده است. این لایه به جذب نیروی جنبشی کمک می‌کند. لوتر، مدیر شرکت خودروسازی LUVI، شرکت خود را سازنده اصلی خودرو نمی‌داند، اما معتقد است شرکت او تولیدکننده وسایل نقلیه جزئی و خاص است. به‌گفته مقامات این شرکت، خودروی تولیدشده توسط آنها یعنی «LUVI O» نسبت به سایر خودروهای الکتریکی، ۸۰ درصد سازگارتر با محیط‌زیست است. علاوه براینکه اکثر اجزای این خودرو قابل بازیافت هستند.



بوک مارک

بالکان اکسپرس

اسلاونکا درکوللیچ
توی ماشین نشسته بودم و از شیشه جلو، پایین جاده یک ایست بازرسی را می‌دیدم. با تابلوی زردرنگی که رویش نوشته بود «کم‌رک» مأمور پلیس داشت پاسپورت‌ها را بررسی و بعد با دست اشاره می‌کرد که می‌توانند بروند. سمت راست جاده اتاقک فلزی سفیدرنگی بود، شبیه کاروان – ایستگاه پلیس و کم‌رک. بالای میله بلند کنار آن، پرچم جدید اسلونی در اهتزاز بود. بیشتر شبیه یک ایست‌بازرسی سرهم‌بندی‌شده در استانی دورافتاده بود، اما درواقع مثلاً گذرگاه مرزی اصلی بین اسلونی و کرواسی بود و من برای نخستین‌بار داشتم از آن عبور می‌کردم. خود مرز هم کاملاً جدید بود؛ کروات‌ها هنوز فرصت نکرده بودند طرف خودشان مأمور بگذارند. از ماشین پیاده شدم و روی زمین اسلونیایی‌ای دیدم؛ مرد جوانی که با لبخند به طرفم آمد. انگار بود نگاهش انداختم. همان پاسپورت قدیمی جلد قرمز یوگوسلاوی. یکباره متوجه شدم در چه موقعیت بی‌معنی و مضحکی هستم؛ می‌دانستم او که دارد پاسپورت مرا بررسی می‌کند، خودش هم عین همین پاسپورت را دارد و ما، شهروندان یک کشور بودیم که داشت فرومی‌پاشید و تبدیل به ۲ کشور می‌شد، جلوی مرزی که هنوز مرز درست و حسابی نشده بود، با پاسپورت‌هایی که دیگر اعتباری نداشتند. تا پیش از این، دولت اسلونی، دولت کرواسی، و مرزها و تقسیم‌بندی‌ها، چیزی کم‌وبیش غریب‌القوی بود، اما حالا این مردان تفنگ‌به‌دست با یونیفرم پلیس اسلونی میان من و اسلونی ایستاده بودند بخشی از کشور که پیش از این متعلق به من هم بود.